

(باز گشت ادبی)

بقیه کنفرانس آقای
ملك الشعراء بهار

بعد از صبا نوبت بقاآنی رسید . و
مکتب شعری صبا بوجود این شاعر مقتدر
جلوه و رونقی از نو یافت ، و بواسطه قدرت
طبع و فضایی که داشت در دربار فتحعلیشاه
راه یافت .

قاآنی بر طبق مرسوم زمان در نزد
شاهزاده شجاع السلطنه تقرب یافته و با او
بخراسان رفته . در عهد محمد شاه شاعر رسمی
دربار بود و قصاید سلام را او میخواند .
در سلطنت ناصرالدین شاه نیز شاعر رسمی
دربار شد ولی طولی نکشید که در اوایل
عهد ناصری فرمان یافت و سرش جای
وی را بگرفت .

قاآنی شهرتش بسبب صراحت گمتار و
سادگی شعر و مضامین تازه اوست اما غالب
مضامین تازه اش دارای صراحتی دور از
عفاف است و احیاناً از اغلاطی بدور نیست
ولی تازگی طریقه اش او را شهرتی بسزا
بخشود . و از آن پس که پیروی مکتب صبا
را پذیرفته و درین معنی زیر بار نفوذ زمانه
رفته بود . شروع به تبع در طرز متقدمان
کرد . و از غالب اساتید قدیم تقلید نمود
و عاقبت سبکی خاص که از آن پس به سبک
قاآنی شهرت یافت بر گزید و بالجمله
مکتبی از برای خود در شعر بر گشود که
تا دیری شعرای طهران و ایالات ایران به

تقلید او شعر میگفتند ، بویژه که دیوان
او هم بکرات چاپ شده و بدست مردم افتاد
و این معنی مؤید پیشرفت طرز و سبک او
گردید .

قاآنی غث و سمین زیاد دارد . شعرهای
بسیار خوب دارد و شعرهای بسیار بد هم دارد
قاآنی بر حسب ترتیب ابتدا بسبک صبا
بعد بطریقه منوچهری . خافانی . . عصری
قطران . فرخی شعر گفت و عاقبت طرز
فرخی را با سلیقه خود در آمیخت و آخر الامر
نتیجه تبعات خود را با ذوق خاص خود
ترکیب کرد .

انتخاب کلمات و لغات فخیم و
ترکیبات قلبه و خشن و تهتك در تشبیب و
تغزل و عشق بازی از مختصات ویست . و
رو بهمرفته در شعر قاآنی لفظ بر معنی و خیالات
سطحی بر تخیلات عالیه و تصورات بلند غلبه دارد
قاآنی از شعر يك طمطراق با هنگامه و
پر سر و صدا قناعت داشته است .

دیگر از نشانه های طرز قاآنی آنست
که هر جا مضمونی قدیمی و فکری مبتذل را
ساخته است از جاده لطافت خارج نشده
و بمحض آنکه در ردیف همان شعر مضمونی
از خود اختراع کرده تاثیر سلیقه خود را
از قبیل تهتك : حس و خیز . قلبه بانی و
خشونت . در آن میگنجانند .

پنهونه تصیده ذیل :

گاه طرب و روز می و فصل بهار است

و نیز تعجیل در بوسه ربودن از معشوق و توهین بوی - و بالاخره استعمال (ایدون) که بمعنی (چنین) است بجای (اکنون) و باید دانست که این قصیده از امهات قصاید قآنی است .

قآنی از شعرائی است که میبایست کتابی در حماسه‌های ملی میگفت؛ چه در ساختن قصه و پشت هم انداختن مطالب و روایت و انتخاب لغات فخیم و آن خشونت و غروری که مستازم حماسه سرایی است . در وی جمع بوده است .

چنانکه بهترین قصاید قآنی قصایدیست که در موارد فتحی یا رزمی گفته است - و یکی از بهترین آنها قصیده نونیه است که در محاصره شهر هرات از طرف محمد شاه گفته است و مطلع آن اینست .

سخن گرافه چه رانی ز خسروان کهن
یکی ز شوکت شاه جهان سرای سخن
و اسباب بسی تأسف است که در برخی از مواردیکه اختصاص بحماسه گوئی نداشته بتصنع و تفنن این فن را که از بلندترین پایگاه سخن است مورد تماخره قرار داده است . چه همه میدانند و از عکس قآنی هم که در دستست معلوم میشود او مردی قوی بنیه و شجاع و سلحشور نبوده است و با آنکه شجاعت ادبی او را منکر نیستیم لیکن از شجاعت مادی او اطلاعی نداریم که او سواری نیزه‌گذار و اسب انداز و جنگی باشد . اما قآنی خود را مکرر در اشعارش بدین اوصاف ستوده و با شعر حماسی شوخی کرده است چنانکه در یکی از قصاید گوید :

جان خرم و دل فارغ و شاهد بکنارست
راغست که از سبزه همی زمرد خیزست
باغست که از لاله همی مرجان زارست
سوری بچه ماند به یکی حقه الماس
کان حقه الماس پر از مشک تارست
نسرین بچه ماند بیکی بیضه الماس
کان بیضه الماس پر از عود قمارست
مستست مگر نیلوفر از ساغر لاله
کافتان خیزان چون صنمی باده گسارست
نی نی چویکی بختی مستست از یراک
بینش چو بختی که به بینش مهارست
نرگس به چنه ماند بیکی کفه الماس
کان کفه الماس پر از زر عیارست
یا حقه از کاهربا بر طبق سیم
یا ساغر سیماب پر از زرد عقارست
بط بچه پیل است بخون بر زده خرطوم
یا شاخ بقم رسته ز پیشانی مارست
در تغزل همین قصیده :

بوسی دوسه مستانه مرا بخش بتعجیل
کز وصل تو واجترم ایدون دوسه کارست
این نمونه برای قسمت زیادی از گفته‌های ما برهانی است روشن . و اشعاری که مضامین آن تازگی ندارد در کمال فصاحت درین بهاریه گفته شده ولی مضامینی که از خود شاعرست و یا شهرتی نداشته و از فکر او بالبداهه بیرون آمده دارای خشونت و نواقص شعریت مانند تشبیه گل نیلوفر به (بختی مست) و نرگس به (کپه الماس) یا (ساغر سیماب) که وجود خارجی ندارد و خالی از لطف میباشد یا تشبیه مرغابی به (بچه فیل) و عبارات (خرطوم) (شاخ بقم) (پیشانی مار)

رونده سیاهی در ره گرم عنان پیچد
 دو دست سد کنم و سیل را بگردانم
 یکی فراخ زره بر بدن پیوشم تنک
 که راست رویتن اسفندیار را مانم
 (رویتن بجای رویتن تن است)

به نیزه که رباید زچرخ حلقه ماه
 چو حلقه های زره کوه را بسنابم
 هر آنکسی که بخفتان تم نظاره کند
 گمان کند که پر از ازدهاست خفتانم
 بشام تیره گرم دزدی از کمین خیزد
 بوی آنکه کند همچو صبح عربانم
 بنیزه که بود چون شعاع مهر منیر
 چو شام، جامه سوگش بیر پیوشانم ! ..
 باز درهمین قصیده خود را حلال خور

شمرده و میگوید :

چشم من بنان مردم نیست و شکم از نان
 خلق تهی است ؛

گرم ز خوان خسان لقمه بچنک افتاد
 بگاه مضغ اطاعت نکرد دندانم
 زنان خلق چو طبلم شکم اگر چه تهی است
 گرم بچوب زنی بر نیاید افغانم !

با آنکه شاعر مداح آنهم مداح
 شاهزادگان و حکام - شکمش از نان خلق بدو
 واسطه پراست که حاکم نان خلق گرفته است
 و قاآنی از او خورده است باز اینطور استغنا
 بخرج میدهد - و ضمناً با آنهمه شجاعتی که
 قبلاً شرح دادیم ، میگوید : اگر چوبم بزنی
 صایم بیرون نمیآید !!

ما منکر نیستیم که شاعر مدعی است ،
 و باب فخر و حماسه بر روی شعرا باز است
 ولی غالباً که دقت شده است اساتید سعی
 داشته اند که ارتباطی بین دعاوی خود با حقیقت

بدهند . اگر مانند مسعود سعد حکومتی کرده واسپی
 تاخته و غزوی کرده است ؛ خود را مبارز و
 خنجر گذار و نیزه ور میخواند - یا اگر دبیر
 بوده است مانند علی حسین با خرسی گوید :

اگر خط بیاید نبشتن بیافم

ز خطم یکی دیه خسروانی

همچنین در علوم و فنون مناسبتی بین ادعا
 و حقیقت امر موجود بوده - و هر کس جز این
 کند مورد اعتراض است خاصه در ادبیات که
 بشوخی شبیه خواهد شد .

عیب دیگر طرز قاآنی خشونت اوست
 در معاشقه و بیان حرکات عنیف و جست و خیز
 و کشتی گیری که از ظرافت و لطافت شاعری
 فرسنگها دور است و باخلاق عوام بیشتر شباهت
 دارد تا اخلاق حکیم و شاعری چون قاآنی ،

و اتفاقاً بیشتر تغزلهای او باین معنی از بر جستن
 و دوییدن و آویختن و زنج تاقن و چسبیدن و
 چنک و کارهای دور از نزاکت - یا الفاظ می هی -
 هان و هون و عربده منتهی می شود و تحقیق این
 مطلب بسی آسانست و در هر صفحه از دیوان
 این استاد این معنی که گفتم دیده میشود و
 برای نمونه :

خیزید و یک قرابه مرا می بیاورید

من هی خورم شراب و شما هی بیاورید

شاهانه خورد باید می را به های و هوی
 طنبور و ارغنون و دف و نی بیاورید
 طبعم ز ران شیر کباب آرزو کند
 هان هیزمش ز تخت جم و کسی بیاورید
 جای دیگر :

هی گویمت سخن هی گیرهت بپیر

هی بویمت دهان هی بو سمت عذار

هی لبش بو سیدم و هی شد دهانم شکری

تا آنجا که برای منادمت خود زهره
و حوری را برضی وحشیانه طلب کرده
و گوید :

گیرید گوش زهره و او را کشان کشان
از آسمان بساحت غربا بیاورید
تا بید زلف حوری و او را دوان دوان
سوی من از بهشت بدنیا بیاورید
و شاعر را دریغ نیامده است که
گوش لطیف الهه عشق را چنان بکشند
و او را وحشیانه از آسمان بیزم حکیم در
آورند - یا زلف حورای جنان را چنان
بتابند و آن پیکر روحانی را دوان دوان
بحضرت قآنی برند !

و نیز احیانا در استعمال کلمات
و اطلاق حروف بی‌موقع خود داری نداشته
است ، چنانچه درین شعر همان طور که
در باره فرهنگ گفتیم الف اطلاع را در
اول و وسط شعر در آورده ، و این معنی
را ائمه فارسی نهی کرده اند چنانکه گوید :
ندانما (؟) ز کودکی شکوفه از چه پیرشد
نخورده شیر عارضش چرا ببرنگ شیر شد
و یا :

به پیش شکرین لب چه دم زند طبرزدا
که با لب طبرزدا (؟) بخنطلی نیرزدا
و این النها که بتقلید الف اطلاق
قوافی شعر عرب است . در اول و وسط
شعر فارسی غلط محض است .

و نیز احیانا اغلاط نحوی فارسی هم
در اشعارش هست مانند :

آوخ که می بکاست هنر جانم
چو نانکه مه بکاهد کتان را
و فضلا میدانند که (می بکاست)

هی خطش بوئیدم و هی شد مشامم مشگبار
(توضیح آنکه (هی) حرف ندای
مؤکد است ،

چنانکه گوئیم : هی چنین مکن
هی فرزند بیرهیز و غیره . و (هی) بمعنی
(مکرر) و (تکرار) از اختراعات اساتید
متأخر و امثال حکیم قآنی است .
نمونه دیگر در معانی مذکوره :

بر شد سپیده دم چو ازین دشت لاجورد
مانند گرد باد یکی طشت گرد گرد
مانند عنکبوتی زرین که بر تند
بر گنبدی بنفش همه تارهای زرد
یا نقشبندی از زر محلول بر کشد
جنبده خار پستی بر لوح لاجورد
بر جستم و دو کانه کردم یگانه را (کذا؟)
با آنکه جفت نیست سزاوار ذات فرد
می خواستم ز ساقی زد بانک کای حکیم
در روز آفتاب نوشد شراب مرد
گفتم تو آفتابی و هر جا تو بامنی
روزست پس نباید اصلا شراب خورد
خندید نرم نرمک و گفتا بزیر لب
کاین رند پارسی را نتوان مجاب کرد
بنشت و داد و خوردم و بهر کنار و بوس
با آن صنم فتادم در کشتی و نبرد

نمونه دیگر :

در این ترکیب بند که محققا در مستی
گفته و از بدایع گفتار اوست و روان
ترین اشعار قآنی است گوید :

خیزید یکدو ساغر صها بیاورید
ساغر کست یکدوسه مینا بیاورید
مینا بکارناید کشتی کنید پر
کشتی بکار نباید دریا بیاورید

در اینجا بی مورد افتاده است ، چه معنی استمرار در فعل آنهم فعل ماضی از قطعیت آن فعل می کاهد در حالتی که بای بکاست برای تاکید و قطعیت معنی استعمال شده و این دو (می) و (با) بر فعل (کاست) آنرا از فصاحت و استقامت افکنده است .
و گاهی قآنی از عروض هم اعراض کرده است چنانکه در این قصیده که در آخر دیوانش بنام او ثبت شده و مطلعش چنین است :
ای ترک من ای بهار جان افزا
برقع بکش از رخ بهشت آسا
گوید :

نو شاد و حصار گشت پنداری
باغ از گل و سرو و سنبل بویا
از کشی ایدون چو ترک یغمائی
هوش از سر بخردان کند یغما

که در مصراع (از کشی ایدون) يك سبب که (ای) باشد از دیگر مصراعها زیاده تر است و تقطیع بحر (مفعول مفاعل مفاعیلن) و تقطیع آن مصرع غلط :

(مفعولن فعلن مفاعیلن فعلن)

و یا (مفعولن مستفعلن مفاعیلن) است

که اول از بحر حزج مسدس احزب مقبوض صحیح عروض و قرب است و ثانی وزنی مزاحف و غیر مانوس و دارای سکتة غیر ملیحی است و بهیچوجه با اصل عروض شعر نمی توان آنرا درست کرد مگر آنکه لفظ (ایدون) را (ادون) بخوانیم و آنهم بر خلاف وضع لغت می باشد - و هم اینجا (ایدون) را بمعنی اکنون آورده و حال آنکه

بفارسی صحیح بمعنی (چنین) است .
در برخی کلمات نیز رعایت عموم را نکرده مانند (مر) که از علائم مفعول است و او گوید :

مران بسان مسیما شکسته قفل سپهر
مرین بسان سلیمان کلید فتح سباست
مران نموده سبک سبک خصم را چون گاه
مرین بگوهر تیغش خواص کاهر باست
و نیز (چنو) را بجای (چون) و

(ابوشجاع) را (ابوالشجاع) با الف و لام که بقاعده نحو عربی بدون الف و لام تعریف استعمال شده و این هم سماع است مکرر آورده است .

در تشبیه گاهی قآنی طوری بی سلیقه گی بخرج داده که انسان مشتبه میشود که شعر جداست یا هزل در صورتیکه تغزل جداست نه هزل آنجا که گوید :

چهر او یكخلد حوری روی او یگعرش نور
خط او يك گله مورو زلف او يك سله مار
رشته اندر رشته زلفش همچو تار عنكبوت
حلقه اندر حلقه جعدش همچو پشت سوسمار
دیوان - و (مجمع ج ۲ ص ۴۱۴)

با اینهمه بقدری شعر خوب در دیوان قآنی جمع است که حد ندارد و برای يك شاعر زیاد است ولی آن قسمتی که تقلیدی نیست و مکتب خود او است دارای معایبی است که ذکر افتاد - خلاصه قآنی یکی از شعرای بزرگ این دوره محسوبست و اشعار خوب و بلندی که بضرر اساتید قدیم و بسلیقه خود گفته فراوانست و ما نمونه از آن گوهر های آبدار را نقل خواهیم کرد

حکیم قآنی سر آمد تمام شعرای قرون اخیر است و بدین خرده گیر بهای جواب داده خواهد شد (وحید)